

## اسلام چیزی است و مسلمانان چیز دیگری !

وقتی که در نخستین شماره سال سوم مجله (مکتب اسلام) مقاله «سهم ما از تمدن» را درباره رویة مسلمانها نسبت شب «ژانویه» سال مسیعی میخواندم ، بخاطر آمد که یکی از رجال تهران میگفت : در یکی از شبهای ژانویه که بدعوت یکی از رفقا در جشنی شرکت کرده بودم ، در گوشه مجلس پیر مرد مسلمانی را دیدم در حالیکه مرتب مشغول شراب نوشیدن و میکساری بود ؛ سرمختانه و متصبانه از اینکه چرا مسلمانها در شب تولد پیغمبر اسلام (ص) اینگونه ابراز احساسات و علاقه نمیکنند ، اظهار تأسف میکرد !!

و با خود می اندیشیدم آیا انعکاس این عمل مسلمانها در کشورهای خارجی غیر مسلمان چگونه است ؟ آنها درباره مسلمانها چه فکر میکنند ؟ مسلمانها را چگونه ملتی میدانند ؟ نفوذ تمالیم دینی و مذهبی را در آنها تا چه حد معتقدند ؟ ناگهان بیاد جمله ای از یکی از شخصیت های معروف اسلامی ( مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی ) افتادم این مرد بزرگ معتقد بود که ضخیم ترین پرده ای که مابین اسلام و اروپاییان حائل است و از انتشار احکام اسلامی در میان ملل راقیه عالم مانع شده است همان عمل مسلمانان کنونی است ؛ و اگر کسی بخواهد مردان آزاده و غیر متعصب جهان را با اسلام دعوت کند ، اول باید آنها را قانع کند که اسلام چیزی است و مسلمانها چیز دیگری .

این شخصیت بزرگ برای مجسم کردن مطلب خود (در حالیکه دودست خود را بالا برده و انگشتانش را از هم باز نموده) میگوید : «مردم آزاده جهان از خلال قرآن بهالینطور نگاه میکنند و مردمی رامی بینند که نادانی و دزدی و بیکاری و عیاشی و هزاران عیوب دیگر در میان آنها رائج است سپس میگویند اگر این کتاب (قرآن) برای نجات بشر و رساندن آنها بمراتب کمال کافی و مؤثر بود پیروانش نمیبایست اینگونه باشند که ما مشاهده میکنیم . من نمیدانم خوانندگان محترم تا چه حدی توانسته اند معنای وسیعی را که این شخص شخص در این جمله کوتاه گنجانیده قبول کنند ؛ ولی آنچه مسلم است اینکه تناقضانی را که اکنون دنیای مسلمانها با آنها گرفتار شده است جز با امثال این جمله که «حساب مسلمانها از اسلام جداست» نمیشود حل و فصل کرد .

آیا اگر کسی از این پیر مرد مسلمان سؤال کند اگر مسلمانی واحکام اسلام را از جان و دل پذیرفته‌ای چرا شراب میخوری؟ و چرا در مجالس شب‌های «ژانویه» شرکت میکنی؟ و اگر ایمانت باسلام از همان حد تقلید از پدر و مادر و محیط تجاوز نکرده و حقیقتی از اسلام درک نکرده‌ای پس این تعصب برای ابراز احساسات در شب تولد رسول اکرم (ص) از چیست؟ چه جواب خواهد داد؟

در اینجا نمیخواهم دنبال قضایای شب‌ژانویه را گرفته و مطالبی در آن زمینه نوشته باشم بلکه اعمال مسلمانها در شب ژانویه مشتو از خروار، و نمونه‌ای از هزارهاتناقض و بی بند و باری است که شب‌روز در افراد مسلمان می‌بینیم.

### مسلمان امروز

مسلمان امروزی هم روزه میگیرد و هم رشوه میگیرد و هم از انوالی که از رشوه - خواری تهیه شده بقرا و مستمندان کمک میکند!! هم نماز میخواند و هم خانه مردم را بدون رضایت صاحبش تصرف کرده و تغلبه نمیکند! هم کم فروشی میکند، و هم مکه می‌رود!! هم ایمان بر روز جزا دارد و هم شنای کنار دریای رامسر را با آن وضع تنگین فراموش نمیکند! هم مسجد می‌رود و هم سینما می‌سازد! هم مجلس تمزیه تشکیل داده بر مظلوم گریه میکند و هم ظلم میکند! اینها و امثال آن يك سلسله اعمالی است که با هیچ اسمی مسمی نمیشود، و با هیچ قاموسی معنی نمیگردد، هیچ معلوم نیست چه سر نوشت شومی برای مسلمانها دنبال این وضع رقت آور؛ در پیش است، و آیا چه کسی قادر است باین حال اسف بار مسلمانها تقصیری دهد؟ از کجا این درد پیدا شده و از کجا باید چاره شود؟ راستی چه درد روز افزونی! و چه مرض خطرناک و سرایت کننده‌ای!

شما خیال میکنید که اگر بایکی از افرادی که دارای این حالات روحی متضاد و اعمال متناقض است بگفتگو پردازید، میتواند شمارا قانع کند که چرا باینگونه افعال متناقض اقدام میکند؟ و چرا باین بلا مبتلاست؟ ابدآ قادر نیست زیرا این اعمال روی يك حساب صحیح انجام نمیگیرند تا يك دلیل روشن و منطقی داشته باشد.

### میراث تمدن!

آری این حالات متناقض و این سرگردانی بی علت، میراث تمدنی است که مانند يك سیل بنیان کن، از کشورهای غرب بمالك مسلمان سرازیر شده و مردم را ناسرحد سقوط بشریت تهدید میکند، همان تمدنی که در اثر معاشرت و دوستی و متابعت از بیگانگان پیداشده؛ همان دوستی و مودتی که قرآن مجید اینهمه مردم مسلمان را از آن بر حذر

داشته ، و در آیات متعدد (۱) بتعبیرات مختلف پیروان قرآن را از آن منع فرموده است .

### این پیماری واپس

متأسفانه این بلای وحشتناک بهراصل خطرناکی رسیده چنانچه گاهی دیده میشود که حتی اشخاصیکه در مخالفت باتمدن جدید افراطی هستند معذالک باین حالت «بی حسابی» و «بازی بهرجهتی»، مبتلا بوده ، شب و روز بصدهاکار متناقض مشغول و گرفتارند ، ولی جای تعجب نیست زیرا چنانکه اشاره شد تضمینی است پاشیده شده و سعی است تزویق شده ؛ و همه را بطور متساوی شامل گشته ، فرض کنید شما که مخالف تمدن و مدهستید و امروز بقصد تهیه یک لباس بالوازم زندگی بیازار رفتهید ، وقتی دیدید که مد روز تمام لباسها و لوازمها

(۱) «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض ومن یتولهم منکم فانه منهم ان الله لا یهدى القوم الظالین (سوره مائده آیه ۵۶)

یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لیباً من الذین اتوا الکتاب من قبلکم و الکفار اولیاء و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین (سوره مائده آیه ۶۳)

یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین اتریدون ان تجعلوا الله علیکم سلطاناً مبیناً (نساء آیه ۱۴۳)

الذین یتخذون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین ایبتغون عندهم العزۃ فان العزۃ لله جمیعاً (نساء آیه ۱۳۸)

لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین و من یفعل ذلك فلیس من الله فی شیء الا ینه (آل عمران آیه ۲۸)

یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا عدوی و عدو کم اولیاء تلقون الیهیم بالمودة وقد کفروا بما جاء کم من الحق ... الا ینه (ممتحنه آیه ۱)

خلاصه آنچه از این آیات استفاده میشود چنین است :

خدایوند مردم باایمان را نهی فرموده از اینکه کفار و یهود و نصاری و آنانکه دین اسلام را مسخره و بازیچه میگیرند ، دوست خود قرار دهند ؛ و با آنها معاشرت دوستانه داشته باشند و فرموده است که هر کس با آنها دوستی کند از نظر منطلق قرآن و اسلام جزء آنها محسوب میشود و از عمل کنندگان بدستورات خداوند نیست ؛ و نیز اشاره فرموده باین حالتی که فعلاً مردم شرق بآن مبتلا هستند که میخواهند عزت و آقامی را از غریبهها و نزدیکان با آنها بپیدا کنند ؛ و فرموده است : آیا شما میخواهید عزت را در سایه آنها کسب کنید ؛ با اینکه عزت از خدا و در پیروی دستورات خداست .

برخلاف سلیقه شما تهیه کرده؛ و در معرض فروش گذاشته، به حکم اجبار شما هم باید هم- رنگ جماعت شوید؛ تا کی ممکن است لباسهای قدیم را وصله کرده و کفش های راحت سابق را مرمت نمود، و تا چه زمانی ممکن است فرزند عزیزتان را برای نجات از دست این فرهنگ کذایی در تار یکی چهل و نادانی نگه داشت، چاره نیست جز افتادن و غرق شدن، از طرفی کثرت انیس با مسائل مذهبی و آشنائی نزدیک با رجال دینی ممکن است بعضی هارا از این نکته غافل کند که دردنیای پهناور کنونی با وجود تمام وسائل مربوط برفت و آمد، و نزدیکی ارتباطات مردم ممالک مختلفه؛ هنوز اغلب مردم روی زمین از اسلام جز اطلاعات بسیار ناچیزی ندارند، و هنوز مردمی هستند که گمان میکنند؛ مذهب اسلام مانند احزاب سیاسی عالم مربوط بدوره مخصوصی بوده، و با عوض شدن سیاست آن دوره محلی برای این مذهب باقی نمانده است، و هنوز اشخاصی هستند که در عین حال که بغیال خودشان در رشته ادیان مطالعات زیادی دارند معذک اندازة معلوماتشان در حدود اطلاعاتی است که از مسافرت بکشورهای مسلمان و تماس با مردم آن کشورها و اعمال و افعال آنها بدست آورده و یا از راه مطالعه روزنامه و مجلات کشورهای مسلمان و یا شرکت در کنفرانس هایست که دکترهای متخصص در ادیان تشکیل داده و باین سلسله دروغ و تهمت چنانچه در مقاله (ماهیت واقعی تمدن غرب) شماره اول سال سوم این نشریه ملاحظه فرمودید، هم وقت حاضرین را تلف میکنند و هم آنها را گمراه میسازند، و از معارف و فضائل اخلاقی و توحیدی پیشوایان دین اطلاع صحیحی پیدا نمیکنند.

اینجاست که باجرات میشود گفت مسلمانانی که برخلاف دستورات مقدس اسلام بدون هیچگونه مجوز شرعی خود را بدل دریای این مجتمع بی قید و شرط امروزی زده اند؛ باید بدانند که در پیشگاه خداوند اذدوجمت مستولیت دارند.

۱ - مستولیت اعمالی که در دیانت مقدس اسلام گناه و مصیبت شمرده شده است.

۲ - از این جهت که اعمال آنها در نظر اشخاصیکه اطلاع صحیحی از حقائق اسلام ندارند معرفی نادرستی مذهب اسلام است و این خود لطمه بزرگی بر اساس دین و پایه محکم قرآن مجید است.

### وظیفه سنگین مبلغین و نویسندهان

در این میان باید اعتراف کرد که وظیفه مبلغین کنونی سنگین تر از وظائف مبلغین سابق است زیرا در دنیای کنونی که با وسائل مجهز خود؛ مانند یک خانه شده، و تمام اعمال

و حرکات روزانه ماداماً در مجلات و جرائد ملل غیر مسلمان منعکس است بحکم «آنچه در خانه است مال صاحب خانه است» آنها می‌که از اسلام فقط اعمال و رفتار مسلمانان را می‌بینند، اینها را بحساب اسلام می‌گذارند و اگر مصالحن کنونی جامعه مسلمین و نویسندگان و مبلغین این دین مبین هر چه زودتر با نشر مقالات مفیده، و بیان اصول و معارف حق اسلام، در میان ملل راقیه جهان حساب اسلام را از مسلمانان جدا نکنند، اینهمه عمل غیر مشروع مسلمانان و اینهمه اوضاع اسف‌آور کشورهای مسلمان مسلماً نخواهد گذاشت که هیچ فردی با اسلام رغبت کند، و باید همانطور که این شخصیت فقید زنده دل گفت بدنیای امروز مردم آزاده و غیر متعصب جهان فهماند که: «اسلام چیزی است و مسلمانان چیز دیگری» ۱.

## آنچه از عمر حساب نمی‌شود!

«اسکندر» در ضمن جهانگیری بشهری از شهرها می‌گذرد، می‌بیند که دارای هوای بسیار لطیف و نهرهای سرشار و باغستانهای با طراوت و خرم است، دستور می‌دهد که در آن نقطه توقف کنند تا از مناظر طبیعی و آب و هوای آن شهر برای چند روزی استفاده کند.

در ضمن عبورش بقبرستان آن شهر می‌افتد می‌بیند روی سنگ قبرها مدت عمر افراد؛ دو سال و چهار سال و پنج سال نوشته شده است! تعجب می‌کند که با این آب و هوا و مواهب طبیعی چرا باید عمر این مردم این اندازه اندک باشد رمز این مطلب را از پیرمردی از اهالی آن شهر می‌پرسد، می‌گوید: «ما در طول زندگی آن مدت را عمر خود حساب می‌کنیم که در مجالست دانشمندان مصرف شود، و آن اوقاتی که در محضر دانشمندان مصرف نشود از عمر حساب

(المایس المنون)

نمی‌کنیم!»